

آیا مردان مهاجر می توانند برابری طلب باشند؟

گزارشی از کنفرانس مردانگی و برابری در سوئد

زهرا باقری شاد

روز پنج شنبه ۲۷ فوریه مهرداد درویش پور، پژوهشگر جنسیت و قومیت و استاد دانشگاه ملاردالن درباره پژوهش جدید خود به همراه کلاوس سونربی، منشی اصلی پژوهش گسترده دولتی سوئد درباره مردان و برابری در سالن اصلی دانشگاه ملاردالن سخنرانی کردند..

کنفرانس با سخنرانی کلاوس سونبری آغاز شد. او نخست به بررسی اهداف این پژوهش و نتایج کلی آن که در ۱۳ فوریه در پارلمان معرفی شده بود پرداخت. او در توضیح تاریخ مردانگی در سوئد و تغییرات آن و شکل گیری الگوی "مرد جدید" به بررسی رابطه مردان با سرپرستی کودکان و خانواده و نابرابری مردان و زنان در دریافت بیمه مرخصی والدین پرداخت. سونبری توضیح داد مردان هم در میان رده های بالاتر جامعه و هم در میان رده های پایین نظیر بزهکاران و زندانیان سهم بیشتری را به خود اختصاص داده اند؛ حتی مردان در مقایسه با زنان بیشتر به خودکشی روی می آورند. همچنین عامل اصلی خشونت ها مردان هستند و در عین حال بیشترین قربانیان خشونت در جامعه خود مردانند. او نتیجه گرفت که نوعی پذیرش اجتماعی نسبت به خشونت "مردان علیه مردان" وجود دارد، به این معنی که خشونت مردان علیه مردان، نوعی رفتار جاافتاده در جامعه محسوب می شود. منشی اصلی پروژه مردانگی و برابری، سپس به نقش مردانگی و برخورد مردان به سکسوالیته و گرایش جنسی پرداخت. کلاوس سونربی همچنین نابرابری های جنسیتی در حوزه های گوناگون نظیر اشتغال، تحصیل، کار خانگی، روابط و شبکه های روابط اجتماعی، سلامت و بهداشت، رفتار جنسی، ورزش، سیاست و مدیریت را برشمرد و نمونه هایی از فرازهای تاریخی رشد برابری طلبی در سوئد و افزایش حقوق زنان را مورد بررسی قرار دهد و در پایان تاکید کرد به رغم شکل گیری الگوهای جدیدی از مردانگی، هنوز نابرابری در بسیاری از زمینه ها ادامه دارد..

منشی اصلی این پژوهش دولتی در سوئد، توضیح داد که تمرکز اصلی این

تحقیقات درباره تحصیلات و جنسیت است که نشان می دهد پسران نسبت به دختران در حوزه مدارک تحصیلی در مدارس بسیار عقب ترند. در این پژوهش دولتی پیشنهاد شده است که مدارس باید با نگاه انتقادی به نرم ها عمل کرده و فرهنگ ضد تحصیل و سکسیسم در پسران را مورد بررسی قرار دهند. کلاوس سونبرری گفت: فرهنگ ضد تحصیل در بسیاری از پسران ناشی از تصویر و انتظاراتی است که مدارس از آنان دارند و باید برای جذب پسران به آموزش در رشته های معمولاً زنانه سرمایه گذاری صورت گیرد. به ویژه از آن رو که که بازار کار هرچه بیشتر به سمت گسترش هرچه بیشتر شغل های معمولاً زنانه جهت گیری می کند.

او درباره تحقیق مردانگی و برابری که دو سال پیش به دستور وزیر وقت برابری آغاز شده است اشاره کرد که نتایج قابل تامل این تحقیق به همراه ضمیمه های آن که بالغ بر هزار صفحه است، منتشر شده و در سایت دولت سوئد نیز قابل دسترسی است.

کلاوس سونبرری در پایان به موضوع اصلی کنفرانس یعنی پژوهش درویش پور درباره الگوهای مردانگی و تغییرات آن پس از مهاجرت اشاره کرد و گفت این بررسی نیز بخش از این پروژه تحقیقی بوده که اطلاعات ارزشمندی در باره مردان مهاجر تبار در اختیار جامعه قرار داده است.

مهرداد درویش پور نیز سخنرانی خود را اینگونه آغاز کرد: " یک مشکل اصلی در بررسی موقعیت مردان مهاجر تبار، وجود پیشداوری های خرد کننده از مردان مهاجر است که آنان را یکسره تهدیدی برای جامعه، نماد بارز کجروی اجتماعی و یکسره سرکوبگر زنان می شناسد. مردان سوئدی هنجار جامعه و برابری خواه معرفی می شوند، در حالیکه " آن مردان دیگر" - یعنی مردان مهاجر تبار- پدرسالار و "منحرف" شناخته می شوند. حال آن که نه همه مردان سوئدی برابری طلبند و نه همه مردان مهاجر تبار پدرسالار. در هر دو گروه تنوع بسیاری از افراد برابری طلب و پدرسالار به چشم می خورد و اصولاً موقعیت طبقاتی، سن، مدت زمان مهاجرت، گرایش جنسی و پیشینه تربیتی فردی، به مراتب بیش تر از تعلق " قومی توضیح دهنده رفتار و نگرش بسیار متفاوت در آنان است.

مهرداد درویش پور درباره برابری و قومیت به این مساله اشاره کرد که چگونه مهاجرت به کشوری دیگر می تواند پیامدهای متضادی برای بسیاری از مردان در برداشته باشد. برای پاره ای از مردان، مهاجرت امکانات و شرایط بهتری برای تحرک طبقاتی به سوی بالا از طریق

تحصیل یا ارتقا شغلی ایجاد کرده است. اما برای بسیاری از مردان، مهاجرت به معنای از دست دادن قدرت و تحرک طبقاتی به پائین بوده است. بسیاری از مردان موقعیت و اعتبار پیشین خود در سرزمین مادری را از دست داده اند و در جامعه جدید بیکار شده و یا به حاشیه رانده شده اند. این به معنای از دست دادن قدرت و منزلت اجتماعی است که می تواند خطر تقویت گرایشات پدرسالاری را برای حفظ "هویت مردانه" در آنان تقویت کند.

این پژوهشگر توضیح داد که علاوه بر تحرک طبقاتی به پائین در میان بسیاری از مردان مهاجر، خود مهاجرت به تجربه تبعیض نژادی برای بسیاری از این مردان که پیشتر خود را هنجار جامعه می دیدند و اکنون به "آن دیگری" تبدیل شده اند، منجر شده و حتی مدعی شد که مردان در مقایسه با زنان از تبعیض نژادی بیشتر رنج می برند. نه تنها از این رو که شوک ناشی از تبعیض در آنان بیشتر است بلکه او به تحقیقاتی اشاره کرد که نشان می دهند نظر جامعه اکثریت به مردان مهاجر منفی تر از زنان مهاجر بوده و به طور کلی مردان سوئدی نیز در مقایسه با زنان سوئدی نگاه منفی تری به مهاجران دارند. او هم شکاف طبقاتی و هم تبعیض را زهری علیه برابری طلبی خواند.

درویش پور همچنین به تغییرات فاحش در روابط قدرت بین مردان و زنان و والدین و کودکان در بسیاری از خانواده های مهاجر پرداخت. او در سخنرانی خود اشاره کرد که بسیاری از زنان از امکانات و حقوق جدیدی برخوردار می شوند. در حالی که مردان امتیازات پیشین خود را از دست داده اند. از آنجا که زنان خواست ها و توقعات جدیدی پیش رو قرار می دهند، بسیاری از مردانی که به دلیل از دست دادن قدرت پیشین خود در روابط جنسیتی، قادر به تطبیق با شرایط جدید نیستند، به سمت تقویت ارزش های پدرسالارانه متمایل می شوند. آنان به عنوان پدر نیز از نفوذ و قدرت پیشین برخوردار نیستند. امری که می تواند زمینه بروز خشونت توسط مردانی را افزایش دهد که به عنوان پدر و یا شوهر در پی حفظ سلطه خویشند، اما از نفوذ گذشته برخوردار نیستند.

این پژوهشگر جنسیت و قومیت اضافه کرد: "مدت اقامت در جامعه جدید الزاما در تغییر نگرش برابری خواهانه مردان تاثیر نمی گذارد. این مساله بیش از هر چیز به تغییر موقعیت اقتصادی و اجتماعی آنان بستگی دارد: اگر مهاجرت به تحرک طبقاتی آنان به سمت بالا منجر شده باشد، در آن صورت مدت اقامت می تواند در رشد برابری تاثیر مثبتی

داشته باشد. اما اگر مدت زمان اقامت به حاشیه نشینی و محرومیت بیشتر منجر شود، در آن صورت تضمینی وجود ندارد که طول اقامت در سرزمین جدید به تضعیف نگرش های پدرسالارانه منجر شود. به عبارت دیگر زمان به خودی خود نقش تعیین کننده ای ندارد".

او اشاره کرد که بسیاری از پسران جوانان نسل دوم مهاجر فرهنگ ضد تحصیل و یا مدارک تحصیلی پائین تر در میان خود را با تکیه بر الگوهای سنتی "مردانگی" توجیه و جبران می کنند. بسیاری از این جوانان نیز علی رغم شرایط بهتری که با آن روبرویند، به دلیل حاشیه نشینی، تبعیض و نداشتن الگوی جدیدی از مردانگی می توانند همچون پدران خود عمل کرده و مانند پاره ای از آنان مذهبی تر، محافظه کار تر و پدرسالارتر شوند.

درویش پور همچنین به گروه مردان برابری طلب در میان مهاجران اشاره کرد و گفت جامعه جدید برای کسانی که تحرک طبقاتی رو به بالایی داشته و پیش تر نیز از زمینه های برابری طلبی، مدرن، سکولار و تحصیل کرده تری برخوردار بوده اند، شرایط بهتری برای رشد اندیشه های برابری طلبانه ایجاد کرده است. البته او تاکید کرد نقش اصلی در رویکرد مردان به اندیشه های برابری طلب را باید در افزایش قدرت زنان جستجو کرد.

او در پایان نتیجه گرفت: "سه نوع رویکرد در برخورد به بحران "مردانگی" که در میان مهاجران نیز به چشم می خورد بیش تر نمایان است. ۱. نگاه نوستالژیک، قهقرایی و منفی به تغییر نقش جنسیتی و نگرانی از "فمینیستی شدن" جامعه که به تشدید نگاه محافظه کارانه و پدرسالار در این گروه انجامیده است. ۲. گروه مردان آلترناتیو و برابری طلب که خود را با این تغییرات وقف داده و بیشتر الگوی های جدیدتری از مردانگی را به نمایش می گذارند. این الگوها نه بر خشونت ورزی و اقتدارگرایی، بلکه بر احترام، دوستی و برابری استوار است. البته این گروه سهم کمی در میان مردان مهاجر دارند. ۳. گروه مردان ملون و دوگانه که گرچه در مقایسه با گذشته خود در کار خانگی بیشتر مشارکت کرده و نسبت به برابری نظر مساعدتری دارند، اما قادر به تطبیق خود با نقش تغییر یافته زنان نیستند. این گروه همواره در کشمکش از تلاش برای تغییر رفتار خود و ناکافی یافتن این رفتار و واکنش منفی به این تغییرات در نوسانند".

درویش پور تاکید کرد که گروه کوچکتری از مردان را برابری طلب ها تشکیل می دهند و گروه مردان نوستالژیک در میان مهاجران به مراتب

گسترده تر هستند. اما بیشترین تعداد در میان مردان ایرانی که موضوع پژوهش تجربی او بوده اند، به گروه سوم یا "مردان ملون و دوگانه" تعلق دارد.